ندیشگی منجر شــود. طرفه آن که لاهوری در بخ

از سرفصلهای تفکر خود حتی، غرب هُمروز گار خود را، نمونه بارورشدن اندیشه و معرفت کلاسیک شرقی

ادبيات واتحاداسلامي

"." گرایش و علاقه لاهوری به ادبیات فارسی را می توان

م بیسی و حرف محموری به نامینت در سی را هی بوان از ۱۹۰۰ بیت اشسعارش که بیش از ۲۰۰۰ بیت آن به زبان پارسی است، تشخیص داد. در اغلب اشعار او تأثیر

شُدیداز مولانا جلال الدین رومی، به چشم می آید. مولانا در بیشتر شعرهای اقبال بهعنوان شخصیتی راهنما و یک دانای کل، با رویکردی انتقادی نسست

به برداشتهای راوی اول شخص – لاهوری – حضور به بداره مولانا برای اقبال، در آثار منظومش، جایگاهی همچون شـمس تبریزی را دارد، جایگاهی که اگر چه

باید مولفه های شهودی اندیشــه اقبال را نمایان سازد اما، گویــی همان گونه که گفته شــداو هر گــز اجازه

نمی دهد که این شهود شایداشراقی، بدُونُ وام گُرفتُن ز اندیشــه و خردی که در غرب آموخته و تجربه کرده

ست، نمایان شود. با همه اینها نکته برجسته دیگر در

اسلامی و احادیث نبوی است. مجموعه بلند و پر آوازه

«جاویدنامه» از آئاری نظم فارسی است. با این همه یکی از نکتههایی که

درخصوص رويكر داقبال به زبان فارسى وجود دار داين

فارسی، در شبه جزیره هند و لاهور از رسمیت افتاده و

زبان انگلیسی جای آن را گرفته بود. جمعه گل نظیر، از اندیشــمندان ادبی معاصر پنجاب، در کتاب «قبال

لاُهوری و شرق شناسی » خود می نویسد ٔ «دلیل عمده استقبال اقبال به زبان فارسی و مولانای رومی، تنها این

ت که او در روز گاری با این زبان شعر می نوشت که

ىيُحاتواستفاده چشمگير اواز مضامُ

نگاهی به اندیشه انتقادی علامه اقبال لاهوری به بهانه چاپ کتاب «چنین گفت اقبال» اثر دکتر قاسم صافی

اقبال به نواندیشی دینی



هنوز در روشهای تکوینی تحلیلی متفکران اسلامی ، ص نواندیشان دینی ، جایگاهی دار د با این همه ترسیم نوعی اندیشه سیاسی، پر داخته اُست؛ تا آنجا که غلامرضا ستوده اســـتاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران مینویسد: «قبال هر چه سروده و گفته است سیاست بوده: در واقع، سیاست اقبال تمام تفکر و شعر

ر کاستی های جهان غرب به جهان شرق می پرداخت ونظريات خودرانه بهعنوان فيلسبوف وانديشمندى مندجهانی برای شرق . بُومی که در جُایگاه یک اندیش غــر بارایه مے داد او در یک ســخنرانی که بعدها در کتاب «حیای فکر دینی در اسلام (تجدیدبنای اندیشه



ت تر بگویم تفکر وادب اقبال، تفکر و ادب

. بررسی تحقیقی میل به تفکر سیاسی در اقبال لاهوری نشان میدهد که او چنیان رویکردهایی را به واسـطه تحصیلاتش در غرب در روزگار استعمار و استثمار جهان سوم، که خود زاده آنجابودهاست کسب کر دہ؛ به عبار تے بہتر شکل گیری نگرش اقبال لاہوری ر به برای برای کا برای کا برای کا برای برای به خرب است که نگرش او به هویت اسلامی در تلاقی با هویت نواندیشانه که بعدها در ساختار مدرنیته ظاهر ر ... شدراتشکیل میدهد.اوهمچون فیلسوفان و جمعیت انتلکتوئل غرب، بسه دغدغههای اجتماعی و فکری توجه خاص دارد و با همین رویکرد، احیا و بازسازی شه دینی را مطابق با شرایط زمانی و مکانی متجدد تبلیغ و تهییج می کند. شاید به همین خاطر است که به هویتُ شــرقی و هویت انســانی نیز نظر داشته،

میرعابدینسی» انتخابسی از بهترین داستانهای کوتاه سسالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰ داشته است را می توان نگاه

کردن براثری آنتولوژی محور دانست. کتاب رانشر «کتاب خورشید» بانقل

قولی از استاد بهرام بیضایی منتشر کرده؛ که حاوی داستانهای کوتاهی از صادق هدایت، بزرگ علوی، صادق





سیاستاست» (۱۳۶۵: ص ۳۳۹)

که باید از او به عنوان اولین اندیشــمند فارسـ یاد کرد اُندیشمندی که جهانشمولی فکرش، او را از اندیشسمندان تحصیل کرده ایرانی همروز گار خودش تميز مے داد

ینی در اسلام)» که در هیأت کتابی منتشر شد. (این

کتاب مجموعه ای از هفت سخنرانی اوست) می گوید:

هبی دینی عشق را در غرب کشته است و در شرق، عقل از سر در گمی به بردگی افتاده» همین تأکید او

بر گرفتار آمدن غربیان بر «عقــل محض» و گرفتاری شرقیان بر اشراق و شهود اســت که اندیشه «ترکیب

عقل و شهود» یا به عبار تی «عقل و عشق» را به عنوان

آنان میتواند در کنار

اجتماعــی و

راهکار رهایی بخش انسـان روز گار خودش معرفی میکند. از همین رویکرد اســت که لاهوری

ی تاثیر پذیــری از فرهنــگ و تمــدن غرب را نامعقول نمی داند. و معتقد است استفاده از

اندىشــه

ئىھود،

بی دینی عش<u>ـق راً در غرب کشّته ا</u>سـ

روانشناسي عامه پسند ادیبات شهروند در فضای نشر کتاب

طی دهه ۱۳۸۰ در ایسران به ر بنجسال دوم این دهـه رویکرد به نشر کتابهای موفقیت و روانشناسی، کـه خـارج از مولفههـای آکادمیکو شناختی علم روانشناسی نوشته شده باشندرشــدزیادی داشت؛ رشدی که رخی منتقدان را وادار به واکنش نسبت هُ این نوع کتابُها که بیشَــتر تأکید بر مید بسه زندگی را بسرای مردم در

داريم، دروغهايي كه به زبان مي آوريم، دگرگوني هر

نَظُر گرفته بودند، کرد.هُمین واکنشها باعث شد در سالهای اخیر کتابهایی از این دس ا دقت بیشتر انتخاب شود و بنایر آن تأثیر بهتری هم داشته باشد. ﴿حساساتِ نَا گفتني » شِرح داستان هايي ست از زندگی روزمره آدمها درباره آنهایی که دوست

معر فی کتاب «احساسات ناگفتنی» اثر استفان گروس

یکازماورنجهایی که تحمل می کنیم. ... کــه چگونــه بخشهایـــی از وجــود و ته چخوبه بحش هاییی از وجودو خاطرات خویش را به صورتی ناخوداگاه به فراموشی می سبپاریم و چگونه آن را آگاهانه بازیایی می کنیم، «استفان گروس» نویسندهای است که ۲۵سال گذشته راصرف کشف احساسات پنهان ر پشت رفتار گیج کننده آدمها نموده سـت. آدمهایی که در مورداحساسات

خودب خویت دروغ می گویندیابه سرکوب پیاپی احساسات خود مشغولند این کتاب با ترجمه نیسان فروزین به همت «نشر کتابسرا» به بازار کتاب آمده است. مترجم در مقدمه خُود بر کتاب آورد است که: همی توان رنجها را تحمل کُرداگر در غالب داستانی بریزمشان»

نعمتمرادي

«تیله آبےی» اثر محمدرضا صفدری شامل ۷ داسستان کوتاه اُسست که چاپ اولُش در سال ، حر سط «نتشارات زریاب» و بهتازگی به وسیله «انتشاراتققنوس» روانه بازا, کتاب شده . بموعه داستان «تيلُه آبي» را به جُرات مي توان یکی از بهترین مجموعه داســـتانهای منتشر مد از انقلاب دانسـت. قدرت در شـناخت فضاهای بومی، جزئینگریهای

ر اعتقادی،باورهاوسنتهایی که با زندگی اکثر روستاییان عجیــن شــده،از آن کتابی قابل دفاع ساخته است. مجموعه داستان تیله آبی شامل داســتانهای پریون، تیله آبی، دلگریخته، دیدار، دو بلدرچین، مُویه و درخته نخستیناست.اینمجموعه بیشــتر حــول خانــواده و عشق و افســانههای محلی میگــذرد. انگار افســانه یا اسطوره، تولدی دیگر رابرای

نویسنُدهرقُممیزند. «افسانه در کتب لغت مترادف واژههای قصه و اسطوره به کار برده می شود و از لحاظ نگاه ادبی به این مقوله به سرگذشت یا رویدادی خیالی از زندگی انسانها، حیوانات، پرندگان یاموجودات وهمی همچون دیو و پری و غول و اژدها اطلاق ر کی ۴ پرور می شود که با رمزورازها و گاه مقاصدی اخلاقی، آموزشی توام است که باز میان اسطوره – قصه – وافسانه تفاوتهای

ستبان سبار رون مارسی و در می وانونی است که از نظر انحطاط ملتهای اسلامی دوره اقبال بسیار نزدیک وشبیه به دوران مولوی در قرن ۷ هجری بود و او نجات اسلام را در شیوه اتحاد جهان اسلام آن همم کزیت ایران می دانست.» وجوددارد اسطورهها هم مر بریسایران می دانست. لاهوری راهمچنین می توان از آغاز گران نظریه اتحاد جوامع اسلامی دانست. او در آثار منظوم و منثور خود بارهااز چنین اتحادی نام می برد. در فصل ششم کتاب و اندیشههای کُهن دارند چیزی شبیه خرافات سحر و «احیای فکر دینی در اسلام (تجدید بنای اندیشه دینی جادوگری و افســ جادوگری و افســون کاری در صورتی که افســانهها هیـــچگاه خویش، نسبت به مسلمانان سرانسر جُهان عواطف برادرانه داشته باشند و همه مسلمین در جستوجوی . چ مرجع ايمان و اعتقاد

ندو صرفا

ب پس در-عناصر خیالی و امور خارقالعاده در آن زیاد تر وقوی تر است»

محمدرضا صفدري از افسانههاي ايراني بهره سی گیرد تا بتواند بهوس

فولكلوريك هم بــه روايت ســاختگى ژرف و

توسعوریت سه سه به رویت سه سعی رازت و غنی بدهدو هم بتواند آداب و رسیوم مردم خورموج و دشتی را در قالب روایتهای تودر تو به نمایش بگذارد. او با دامنه واژگان گسترده

سازی های بکر د،

زبان لذَّت ببرد. یکی از خوش ساخت ترین

داستانهای این مجموعه خود داستان «تیله آبی» است. طرح این داستان در

مــورد دو شــخصیت راوی و احمد اســت. دو پسربچه

که سه بازسیازی خاطرات

که در روایت زده میشـود

يلُه فلاُشبِكهاُيي

يله ساخت

زاييده خيالند ُو فرُق

ر ... میان افســانه و قص

در ایسن است کــه افسانه قالبی است که

تمامــی ویژگیهای لفظی قصهراداراست بــا ایــن تفــاوت که

ىكەدفىاشند»(نقل بەمضمون)، چندوچُون در آرای اقبال، هنوز احساس می شود. مباحث تحقیقی او نظیر «دانش و تجربه دینی»، «آزمون فلسفی جهت راز گشــایی از تجربه دینی»، «تصور خدا و معنای ۰۰۰ - ۱/۰ سانی: آزادی و جاودانگی اُش»هنوز جای مباحث; یادی دار د.

. - " ر" ص ر ر این میمه انتشار کتابی با عنوان «چنین گفت اقبال» اثر «دکتر قلسم صافی» که به همت انتشارات دانشگاه تهران به پُیشخوان کتابفروشی ها آمده بیشتراز هر چیز کتاب معروف «چنین گفت زرتشت» فردریک نیچه را به باد مي آور دو سيس حدال كهنه اينكه أيا اقبال لأهوري یه مفهوم «ابر انسان» و «ابر مرد» نیچه را با همان دریافتی در آثار خود به کار برده که نیچه در نظر داشـــته؟ کتاب که «در اندیشهها و آموزههای اقبال» به مناسبت زادروز ۱۳۶ سالگی لاهوری نوُشته شده خلاصهای توصیفی - تحقیقی است! «سیماو زندگی معنوی»، «علم و سیاست»، «آرمان و آرا»، «فلسفه اجتماعی» و نظریات «تعلیمے ، تربیتے ، سیاسے »اقبال لاہوری مے تُوان گفت کتابی جامع و پاکیزه که دریافتی مقدماتی برای تحقیقی جامع را به مااز اقبال می دهد کتاب، بیشتر شعرهایی

ز اقبال را برای ارجاع به یک نظریه فلسفی اندیشگ ہیں ہوئی ہے ۔ عنوان شــاهد آور دہ و همچنین فهر ســت دقیقے تالیفات اقبال لاهــوری را جمع آوری کر دہاســ نین در بخش «نظریــه خودی» که تمرکز خود را بر یکی از اساسی ترین نظریات فلسفی اقبال یعنی «اســرار خودی و رموز بیخودی» است، گذاشته رامی توان، برجسته ترین بخش كتاب دانست كه توصيف دقيق دكتر صافى

دکتر قاس

از دریافتهای اقبال درباره مفاهیمی چون انسان، گســترش، وجود، حقیقت و۔اندیشـهانسـ اقبال راراحتياب تسر كرده

سی پردازند. همه چیز انگار از یک بازی کودکانه شروع می شود و خاطراتی از ماشین باری و

توبا و دیدن مردی عاشق پیشــه. این داستان با ساختاری محکم و شخصیت پردازی فوق العاده و دیالو گهای زنده و ملموس که نشــان دهنده ر بیر ر بر سیر توجه خاص صفدری به لحن است پیش می رود؛ روایتی تودر تو که این شاخصه بیشتر در رمان المُكان عُــذاب» و «اســفار كاتبــان » ابوتراب خسروی دیده می شود. موضوع کلی داستان برمی گردد به توبا هم



بادداشت

نقدی بر مجموعه داستان «تیله آبی» نوشته محمدر ضا صفدری

روايت گمشدهها

که هیچ حضوری در داســتان نــدارد ولی تمام ته هیچ حصوری در دانستان سدار دولی معام موضوعیت داستان بهوسیله خردهروایت هاشکل گرفته و به صورتی غیرمستقیم به او برمی گردد. گفته: «به کی به تو، احصد گفت: چراغهایش سرخ شد دلم رفته بود تو چراغها، سرخ نبودها، سرخیش جوری بود کسه ندیده بسودم.» یا در صفحه ۲۶ گفت: «کدام شب تا یادم می آداین همین جاافتاده» گفت: «همون شبی که توبایغل

ـ تی . ست رانندهاش نشست و رفت آبادان » ماشــین باری نشــانهای از مدرنیســ محمدرضا صفدری در این داستان کوتاه تقابل بين سنت ومدرنيسم راخوب به تصوير مى كش

ماشــين بــارى بهعنوان یک اصل مدرنیسم در این داستان بهعنـوان یک یکیازخوشساختترین داستانهایاینمجموعه "ں پدیسدہ بسہ مسردم روسستا معرفسی میشسودو مسردم خودداستان «تيله آبي» . ت.طرح این داستان در سیله تفکرات و روستا بهوسسینه مصرب ر ذهنیتهای خـود در مورد این ماشــین باری که جلوی قهوه خانه است نظر می دهند مورددو شخصیتراوی و عمداست. دو پسربچه که با بازسازي خاطرات بهوسيله فلاشبكهايي كهدرروايت و این روند در مورد بچهها به ر کرر کرد فرم یا صورتی دیگــر اتفاق میافتــدواین خــودبیانگر بهوجــود آمــدن و برخورد زدەمىشودمى پردازند.

دونســل با پدیدههای جهان مدرنیسم است. در زیرلایههای این داســتان انگار به صورت خیلی گور " هوشمندانه صفدری شکاف بین نسل ها را بیان میکند. این داســتان روایت گمشدههاســت. نوبای گمشده، تیلهای که رفت تو لجنهای ته ر. ی حوض و عشق گمشده مرد. انگار همه نشانه هایی که صفدری در ســـاختار روایی و کلی داستان به

کار میبرد در گذار از یک جُام ، جامعه سنتی هستند و راهی جزء پذیرفتن توباً فرار می کند و به آبادان مُسیرود. چُون هنوز در فضای روستا آن نگاه سنتی به زن بنقسش او در خانواده

شده و حتى حقوقى متناسـب بــا ان در جوامــع عقبافتاده بر بف نشدهاست. صفدری علاقــه یادی بُسه روایست ناسستان از دیسدگاه کـودکان دارد و این «تیله آبیی» و هم در

داســتان «درخــت نخستين» مىافتداما تنها ضعفى که در این دو داستان مخاطب با آن بر خسور دمی کند خارج شدن لحن بچەھاست كە گاھى ٱدم فكر مىك راوی آدمبزرگ و جزئی نگری است در صورتی که ودر پرداخت داستان قابل تحسين است

. ــانهها برای او تجربه زیستی درون ما و در نیبه ساری های بدر نسب به ساحت تصویرهای زیبایی می زند تامخاطب هم به القای مفهوم در متن برسد و هم از لحاظ زیباشناسی تصویر در
قدرت نویه خوبی را رقم می زند؛ در روایت داستان «پریون» قدرتنویس دەدرشناخت . رر.. کودک است.این کودکان در دايره و استراتژي ذهنه فضاهای ہومی، جزئی نگری های انگار خُواب بچُگی پدرانشان كهبازند كي اكثر روستاييان سفدری در این داسستان و ین شده،از آن کتابی ما بقی داستان ها را نس

اعتقادي،باورهاوسنا قابل دفاع ساخته است. این به زبــان می تــوان به خوبی درک کرد. زبــان به خودی ... مجموعهبیشترحولخانواده وعشقوافسانههایمحلی خُود انگار تنها اصلی است که نسبت به دیگر مولفهها میګنرد

برتری نسبی دارد هرچند مابقی مولفهها هم همزمان با داستان دارای تناسب خوبی هستند و متناسب با زبان پیش می روند: نگاه تیزبینانه صفدری به محیط زیستی بوري ــیروستمه بیرمیسه صعدری به محیطریستی و قصههایی که نســـل به نســـل از مادربزرگها و پدربزرگها شنیده میشــود شاید دستمایه ر برازر داستانی شبیه پریون شدهباشد. زبان داستانی صفدری زبانی است که بر گرفته

از ساختار ذهنی و شخصیتی اوست. او رامی توان در زمره نویسندگانی قرار داد که زبان داستانی و فردی خود را دارد. زبان هر نویسنده سبک . کوتاه دیدار خانه که به نوعی باز آفرینی یا یادآوری خاطره است، سبک به گونهای خود را برجسته حاطره است، سبب به نونه ی حود را برجست نشان می دهد. داستانی تودر تو با شخصیتهای تودر تــو و مکانهای تودر تــو؛ انگار که همه چیز با هم ترکیب شده است. پسربچهای که به زر گسالی رسیده اولین شخصیتی است که دیدار خانه را مرور می کند.

لتان های ایسن مجموعیه چیه از لحاظ ساختاری و چـه از لحـاظُ تکنیکــی و زبانی داستان های برجسته و درخشانی هستند بهجز ی . . . داســـتان دو بلدرچین که انگار نویسنده به جای ترسیم ابهام هنری بیشتر به ساخت معما دست

عرفی یک کتاب بر هستی شناسی داستان کو تاه هشتادسال داستان کوتاه ایرانی

77

بهـــاره ســروش |هرچنـــدعلم اطلاعات و آماری می گنجداما، وقتی تعریـف آن را در گســتره پیگیــری مجموعهای از مفاهیــم حول محور یک دامنه متمرکز کنیم، یعنی آن را از نگاه فلسفی تعریف کنیم، آن وقت ى توانىيىم كتاب ھا وموضوعاتى خُارج علوم اطلاعات و رايانـــه را ھىم بر آن ت دهیم. همین رویکرد است

همه تحصيل كردگان غرب

در روزگاری که اولین فرستادگان ایرانی به اروپا، همچون میسرزا ملکمخان و عبدالرحیسم طالبوف؛ به ایران بازگشته و ضمن حمایت از ساختار دولت، (به بهانه آن که تحصیل و کسب علم خود را مدیون طرح

توسعه علمی عباس میرزا، فرزند فتحعلی شاه قاجار بودند) به اندیشیدن برای ایجاد نوعیی رویکردهای

پوننده) به سندرستید برای بیجه نوختی رویتردهنای متورا لفکران به برای همست و شدن با روش نفکری اجتماعی و شبهری غربه مشخول بودند و درست زمانی که یکی دیگر از اندیشتمندان متورالفکر بزرگ ایران، میسرزا فتحلی آخوندزاده، که در گرجستان

. رس کرد. زندگی می کرد، کتاب تحسین شدهاش، که در دوران قاجار از آن بهعنوان کتاب ضاله یاد شــدو مجوز چاپ

نيافت، «مكتوسات كمال الدوله سه حمال الدوله» ، ا

ایران را ثبت کرده باشد. در دورهای که میرزا آقاخان

گرمانی مقیم استانبول، برای روزنامه های شالوده شکن روزگار خــودش در ایران، همچــون «ختر» مقالاتی

درباره رنسسانس ایرانی می نوشت و بعدها نیز کتابی با عنوان «سسه مکتوب» را به نگارش در آورد که اگر چه

از روشهای اندیشیه آخوندزاده سیود میجست اما

ر رر با ت -صریح تر و تندتر به نقد و سـتایش فرهنگ باسـتانی ایرانــی میپرداخت؛ منورالفکران غیرایرانی پارســی

ــر کی گیر زبانی همچون اقبال لاهوری، که خود نیز تحصیل کرده غرب بودنــد، در اندیشــه به ثمــر رســاندن نوعی از

روشُنفکُری غربی با سنت اسلامی، سُعی می کرُدند تا ز اسلام و مذهب؛ تعریفی به روز و همسو با گرایشهای

وار ثانُ اقبالونواندیشی دینی اگر چـه دهههای ۱۲۵۰ تا ۱۲۷۰ خورشـیدی،

به دلیل نبودن رسانههایی همه گیر باعثُ نشدند تا نخستین گروه روشنفکری ایران، همچون آخوندوف،

طالبوف، آقاخان کرمانی و سپس جهان گیرخان صوراسرافیل و علی اکبر دهخدا، که بیشتر مسأله ایجاد نوعی سنت باستانی ایرانی با شهروند گرایی غربی را

ر کی ... در نظر داشتند؛ با نواندیشانی همچون اقبال لاهوری، دچار تقابل و گفتمان انتقــادی رودررو و قابل توجهی

شوند؛ اما سالها بعد، پس از موفقیت نیمه چشمگیر

روشُنفکران اجتماعی و سیاسی ایسران در انقلاب

مشروطه وسيس ايجاد جريان دوم روشنفكري ايران،

در دوران پهلوی اول که با تمرکز حکومت بر الگوبر داری مستقیم از غرب فاز تازهای در رویکر دروشنفکری

ایجاد کرد کـه می توان از آن به عنوان «روشنفکری بنیادگرا»نام برد. گفتمان اقبال لاهوری که محمدعلی

جناح، سالها قبل توانسته بودبا توسل به آن کشوری

آنجا که امروزه می توان ریشه های اندیشهٔ روشنفکران

و شیخ محمد عبدُه با اصلاح گرایی اسلامی را در سیر

ر '''۔'' تُدیشــههای اســـلامی – نوفکری استعمار ستیزانی همچون اقبال لاهوری پی گرفت؛اگر چه حتی به بهانه

پویشهای فکری او همچــون نظریه «خاتمیت» که هنوز نیز محور گفتمان روشنفکران دینی امروز است،

نمے توان اقبال را به عنصوان بنیان گذار چنین جریانی به حساب آورد با تاریخ تطور «پروشکاری» به حساب آورد با تاریخ تطور «پروشکای دینی» را (نه به آن مفهوم که امروزه آن سراغ داریم) از آنیا لاهوری به این سو، محدود کرد اما به هر روی بررسی، تحقیق و چند و چون در آثار و آرای اقبال لاهوری، وجه

اساسی نیل و شُناخُت آن چیزی است که امرُوزه از آن بهعنوان «گفتمان روشنفکری دینی» یادمی کنند.

نفكر سياسي وبازسازى انديشه ديني

اقبال لاهوری از معدود شاعران، فیلسوفان، سیاستمداران و متفکران غیرایرانی بود که در حوزه

سیاســت همچون ماهاتما گاندی و در گســتره شعر

سیاست معچون سعایت کانای و در فضای سیاست. و ادبیات همچون بیدل دهلوی، در فضای سیاستی، اندیشگی وفرهنگی ایران تأثیر گذاشت. آوازه اندیشگی

او اما، همان گونه که اشاره شد، در جنبش روشنفکری – اســـلامی، نه تنها به ایران، بلکه در اغلب کشورهای

مسلمان نیز تاثیر گذار و تاریخساز بودهٔ است. نظریهٔ های او بر پایه اندیشــههایی همچون جداســـازی ساختار

فلسفه غرب و بونان باستان از ساختار فلسفي قرآن،

نظریه خاتمیت، ارایه فهمسی تجربی از اثبات گرایی و تأکید بر پیشگامی مسلمانان در روشهای تجربی، با

تمرکز بر آثار بن موسی خوارزمی و ابوریحان بیرونی.

دینی همچون علی شریعتی، جلال آل احد مجتهد شبستری در ایسران و روشنفکرانی چون فضل الرحمان ملک بااندیشههای هرمنوتیک اسلامی

نتلكتوثلى معاصر خوددهند

تشر کرده بود، تا اولین بیانیه رسمی علیه

که آنتولوژی را مفهومی چَند ُ وجهی بخشــیده بااین تعریف نگاه کردن به کتابی باعنوان

برجستهایرانی، گذاشتهوبهزعمنویسند

دارت)

تقوایی،امین فقیری،منیروروانی پور، جعفر مدرس صادقی و ...است. همچنین آشنایی با چهره زندگی و شیوه ادبی هر نویسننده، همراه با تحلیل وبررسی کوتاه هر داستان، بخش هایی از کتاب را به خوداختصاص داده است. این مجموعه تاکنون به چاپ «ششم» رسیدهاست.